

## جنگ قره باغ فرصتی برای تحلی هویت شیعی در جمهوری آذربایجان / تحلیل



در جریان جنگ اخیر قره باغ، شیعیان جمهوری آذربایجان فرصتی مغتنم و دست نیافتنی به دست آوردند تا جبران مافات کنند و قضای عزاداری های ممنوع شده در ماه محرم را که در سال جاری به بهانه مقابله با کرونا ممنوعیتش شدیدتر هم شده بود، به جای آورند و درستی توصیه های رهبر معظم انقلاب اسلامی به رییس جمهوری آذربایجان به عیان اثبات شد و قطعا توجه به راهنمایی های ایشان خواهد توانست این جمهوری و مردمش را از دسیسه های دشمنان آشکار و پنهان نجات بخشد.

آران نیوز- حضور رئیس جمهور آذربایجان در مسجد جامع تاریخی آق دام و وقایع بسیار دیگر از این قبیل در روزها و هفته های اخیر، این سوال را مطرح کرده است که آیا حاکمان جمهوری آذربایجان پس از سال ها ستیزه با تشیع و فعالان دیندار و روحانیون شیعی این کشور، با مشاهده تمایل اکثریت غالب مردم به مذهب تشیع در کشورشان، تصمیم به تغییر هویت و سیاست خود گرفته اند یا اینکه اقداماتی نظیر حضور در مساجد، فراهم شدن امکان پخش اذان و برگزاری نماز جماعت در مساجد شهرهای بازپس گرفته شده از ارمنه، حرکت هایی تاکتیکی است برای بهره برداری سیاسی و تبلیغاتی و موج سواری بر روی احساسات مذهبی مردم که در شرایط اوج گیری جنگ و تشیع جنازه های جوانان در جمهوری آذربایجان به غلیان درآمده است؟

در پاسخ به این سوال، دو برداشت وجود دارد. در یک برداشت، تصور می شود که دولت لائیک جمهوری آذربایجان پس از سه دهه برخورد چکشی و سرکوب شدید تشیع، به علت ناموفق بودن این سیاست خشن، تصمیم به تغییر رویه گرفته است. چرا که بی تاثیر بودن اقدامات سرکوبگرانه برای جلوگیری از احیای هویت شیعی مردم جمهوری آذربایجان یک بار دیگر بخصوص در همین ماه های اخیر در جریان مراسم های تشیع و تدفین جان باختگان جنگ دوم قره باغ و حتی در درون پادگان هایی که سربازان ارتش همین دولت لائیک قبل از شروع عملیات برای امام حسین (ع) و یاران شهیدش نوحه سرایی می کردند، یک بار دیگر اثبات شد. البته، در همین ایام ترکیه و مستشارانش و نیز مستشاران رژیم صهیونیستی به بهانه کاربرد تسلیحات مدرن فروخته شده به ارتش جمهوری آذربایجان، فرماندهی یا دخالت در عملیات ها را به دست گرفته بودند و وابستگان ترکیه در درون ارتش جمهوری آذربایجان تلاش می کردند مطامع سیاسی و مذهبی خود را اجرایی کنند. به عنوان مثال در شهرهای جنوب غربی جمهوری آذربایجان به محض استقرار ارتش جمهوری آذربایجان، اذان به سبک ترکیه و اهل سنت پخش کردند و گزارشگران ترکیه ای نیز در لا به لای گزارش های هیجان آلود و پرهیاهویشان سعی می کردند افکار عمومی جمهوری آذربایجان را به سمتی غیر از علقه های شیعی و پیشینه واقعی و ایرانی اماکن تاریخی و مذهبی شهرهای بازپس گرفته شده، سوق دهند و سوابق و تاریخچه های به اصطلاح عثمانی برای مساجد آق دام و شوشا بتراشند. اما، در همین گیر و دار و برغم تمامی مقررات سفت و سختی که در مقابله با مظاهر دینی و مذهبی در ارتش جمهوری آذربایجان و حتی نماز خواندن سربازان در سال های گذشته وضع و اجرا شده بود، به محض تصرف روستا و شهری جدید، سرباز و افسری از همین ارتش یافته می شد که با صوتی دلنشین اذان با شهادت به ولایت امیرالمومنین (ع) را از جان و دل به صدا درمی آوردند. مادران و پدران آذربایجانی، جوانان خود را با صلوات برای محمد (ص) و آل محمد (ص) و نادهای لیبیک یا حسین (ع) راهی جبهه های جنگ می کردند و برای سلامتی شان به یاد امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) نذر و قربانی می نمودند. صحنه هایی عجیب و شور انگیز در مراسم های تشیع و تدفین بروز کرد و این مراسم ها را به آیین های عزاداری حسینی تبدیل کرد. گویی، شیعیان جمهوری آذربایجان فرصتی مغتنم و دست نیافتنی به دست آوردند که جبران مافات کنند و قضای عزاداری های ممنوع شده در ماه محرم را که در سال جاری به بهانه مقابله با کرونا ممنوعیتش شدیدتر هم شده بود، به جای آورند. در شرایط عادی، تمامی این ها نشانه های مهمی از تمایلات و خواسته های اکثریت شیعه جامعه جمهوری آذربایجان تلقی می شوند که بنا بر عقل سلیم و منطق، حاکمیت باید این نشانه ها و تمایلات مردمی را مدنظر قرار دهد و خود را با آن هماهنگ و همگام سازد و بر همین اساس، حرکت ها و موضع گیری ها و نرمش هایی که علی اف ظاهر را در قبال دین اسلام از خود نمایان می سازد، برخی از ناظران را به این نتیجه رسانده است که تغییری مثبت در رویکرد حاکمیت جمهوری آذربایجان به مذهب تشیع آغاز شده است و باید این تغییر مثبت و گره ناچیز را تقویت کرد.

اما در مقابل، برداشت دیگری نیز وجود دارد که با توجه به سوابق منفی حاکمیت لائیک جمهوری آذربایجان در بدرفتاری با دینداران و روحانیون و فعالان شیعه و وجود قوانین و مقررات و سیاست های محدود کننده سبک زندگی شیعی در جمهوری آذربایجان، به این نوع سخنرانی ها و حرکت های نمایشی در حوزه مذهب، به دیده شک و تردید می نگرد. در این دیدگاه تاکید می شود که این رفتار ها نشان می دهد که رویکرد حکومت لائیک حاکم بر جمهوری آذربایجان به دین تا این حد تغییر یافته است که می تواند تشخیص دهد دین می تواند ابزاری برای تقویت وطن پرستی بشود و از آن مهمتر، دین می تواند مایه قدرت دولت بشود. این نوع تغییر در نگاه ها و تحلیل های آنتیست های دیرین جمهوری آذربایجان در قبال دین اسلام، صرفا به تغییر در نگاه شخص رئیس جمهور خلاصه نمی شود. حتی فردی مثل رامیز مهدی اف که نماد و مظهر آنتیست ها و کمونیست های قدیمی جمهوری آذربایجان محسوب می شود، در ماه های گذشته در زمانی که هدف هجمه های تبلیغاتی شدید پس از به حاشیه رانده شدنش از قدرت در باکو قرار گرفت، در توضیحات و مدافعاتی که منتشر می کرد، ناچار می شد به آموزه های دینی استناد کند. رامیز مهدی اف حتی در یکی از مقالات دفاعیه اش بطور بی سابقه ای به شهادت امام حسین (ع) و خانواده و یارانش به دست خائنان امت حضرت محمد (ص) اشاره و استناد کرد. به هر حال تمامی این نوع توجهات به دین و در واقع تظاهرات به محترم شمردن دین و آموزه های دینی نشان می دهد که جامعه جمهوری آذربایجان بسیار تغییر کرده است و در مسیر فاصله گرفتن از هویتی جعلی قومیتگرایانه ای که در زمان حاکمیت کمونیستی به این جامعه تزریق شده است و حرکت به سمت احیای هویت شیعی خود بسیار پیش رفته است و اکنون حتی بی دین ترین و ضددین ترین سیاستمداران نیز دیگر نمی توانند بدون توجه به این تحول جامعه جمهوری آذربایجان سیاست های خود را پیش ببرند. بنابراین، توجه حاکمان جمهوری آذربایجان به دین و تظاهرشان به محترم شمردن عقاید دینی مردم، ضرورتی گریزناپذیر شده است و ظاهرسازی های سیاستمدارانی که در کارنامه شان موارد و مصادیق زیادی از تخریب مسجد و ممنوعیت پخش اذان و مراسم های عزاداری حسینی و ممنوعیت انتشار و فروش کتب اسلامی و زندانی و شکنجه کردن فعالان دینی و روحانیون را دارند، به تنهایی نمی تواند تغییر مثبت در سیاست دینی شان را به اثبات برساند. بخصوص که اگر در پس پرده این تحولات و تظاهرات، اهداف سیاست "چندفرهنگ گرایی" صهیونیستی برای تحریف و اضمحلال هویت شیعی اصیل مردم جمهوری آذربایجان و ایجاد اختلاط های دینی و فرهنگی عجیب و غریب در این کشور پنهان شده باشد، باید به کلی این ظاهرسازی های دینی را رد و طرد کرد تا دستکم بخش مبارز جامعه دینداران به مقاومت خود برای حفظ و احیای هویت شیعی اصیل این جامعه و مقاومت در برابر سرکوب ها تداوم بخشد.

اما، با توجه به ضرورت استقبال از هر اقدام و حرکت و موضع گیری و تحول مثبت هرچند کوچک و ظاهری در جمهوری آذربایجان، به نظر می رسد که از ترکیب دو دیدگاه خوشبینانه و بدبینانه درخصوص تظاهر به محترم شمردن اعتقادات مذهبی مردم در جمهوری آذربایجان، می توان به دیدگاه واقع بینانه تر و قابل قبول تری دست یافت. به این معنا که در مرحله کنونی دستکم تغییر در برخی سیاست ها و راهبردهای حکومت جمهوری آذربایجان در قبال دینداران می تواند راهگشا و مشکل ساز شود. به همین علت است

که اکنون از درون جامعه دینداران جمهوری آذربایجان، تقریباً همه روزه درخواست های مکرر به الهام علی اف و مهربان علی اوا فرستاده می شود که روحانیون و دینداران بی گناه را که صرفاً به دلایل سیاسی و اعتقادی زندانی شده اند، آزاد کنند. این طیف از مردم در واقع مطالبه آزادی دینداران زندانی را معیاری برای سنجش میزان صداقت در تظاهر مقامات جمهوری آذربایجان به محترم شمردن عقاید و هویت اسلامی این مردم تعیین کرده اند. زیرا، این طیف از زندانیان سیاسی در جمهوری آذربایجان نه دعوی قدرت داشته اند و نه جرمی حتی سیاسی مرتکب شده اند که حبس شوند. اینان همانانی هستند که در حقیقت جوانانی را تربیت کرده اند که در ماه های اخیر نیروی اصلی پیشروی و بازپس گیری روستاها و شهرهای جمهوری آذربایجان بوده اند و الهام علی اف نیز به هر حال در جریان جنگ دوم قراباغ، به نقش و تأثیر عقاید همین جوانان هدایت شده با آموزه های شیعی واقف شده است. اکنون مردم جمهوری آذربایجان خود را در وضعیتی می بینند که از این تحولات میوه چینی کنند و ثمرات بسیار ارزشمندتری را در تحکیم مبانی هویتی این کشور بردارند. با دور اندیشی در این زمینه بود که در پنجم اسفند 1395، حضرت آیت الله امام خامنه ای در دیدار الهام علی اف، رئیس جمهوری آذربایجان در تهران فرموده بودند: «ترویج معارف اسلامی و احترام به مظاهر و شعائر دینی موجب اقبال عمومی و پشتیبانی مردم در مقابل تهدیدها خواهد شد. اعتقادات اسلامی و شیعی مردم آذربایجان سرمایه گران بهایی است و هر چه دولت نسبت به این مظاهر و عقاید دینی مردم احترام و اقبال بیشتری نشان دهد، پشتیبانی مردم از دولت و مقاومت آنها در مقابل دشمنی برخی ابرقدرتها، بیشتر خواهد شد. منطقه آذربایجان از لحاظ دینی، ریشه دار و خاستگاه برخی علمای بزرگ اسلامی است و مردم آذربایجان نیز مردمی آگاه و هوشیار هستند که تشویق و کمک دولت در فعالیت های دینی در گرایش و جلب عواطف آنها بسیار مؤثر است. ترویج معارف اسلام و تشیع موجب جلب نصرت خداوند و عنایت ائمه اطهار(ع) در مقابل مشکلات و تهدیدها خواهد شد.»

با تحولات ماه های اخیر، درستی تمامی این توصیه های رهبر معظم انقلاب اسلامی به رئیس جمهوری آذربایجان به عیان اثبات شده است. قطعاً توجه به راهنمایی های حضرت آیت الله خامنه ای و در نظر گرفتن گرایش ها و عواطف شیعیان جمهوری آذربایجان خواهد توانست این جمهوری و مردمش را از فتنه ها و دسیسه های دشمنان آشکار و پنهان و فتنه گرانی که به جلد دوستان جمهوری آذربایجان درآمده اند، از جمله صهیونیست ها و پان ترکیست ها و سایر صاحبان نفوذ و تأثیر در جمهوری آذربایجان که حاکمیت جمهوری آذربایجان را در حلقه خود گرفته اند، نجات بخشد. کافی است در حل نهایی و کامل مساله قراباغ نیز رهنمودی که امام خامنه ای برای بازگرداندن تمامی مناطق اشغالی به جمهوری آذربایجان و در ضمن تضمین امنیت ارامنه ساکن در این مناطق و همچنین جلوگیری از حضور تروریست ها و تکفیری ها در این مناطق فرمودند، مبنای هر طرح صلح و ابتکاری برای حل عادلانه و منصفانه بحران قراباغ قرار گیرد و با اکتفاء به آتش بسی بی منتها، عرصه برای معامله ها و مبادلات سرزمینی و گذرگاهی و نیز جابجایی های جمعیتی بر هم زنده جغرافیای سیاسی و مردم شناسی منطقه و مغایر با هویت اصیل و تاریخی و فرهنگی مردمان این دیار که بازی بسیار خطرناکی به نفع دشمنان مردمان این منطقه و ایران اسلامی است، فراهم نشود.

برهان حشمتی